

جامعه‌های ماقبل صنعتی

Patricia Crone
Pre-Industrial Societies
Anatomy of the Pre-Modern World
Oneworld, Oxford, 2006.

سرشناسه:	کرون، پاتریشیا، ۱۹۴۵-۲۰۱۵ م.	Crone, Patricia
عنوان و پدیدآور:	جامعه‌های ماقبل صنعتی: کالبدشکافی جهان پیشامدرن؛ پاتریشیا کرون؛ مترجم مسعود جعفری جزئی.	
مشخصات نشر:	تهران، نشر ماهی، ۱۳۹۳.	
مشخصات ظاهری:	۳۶۰ ص.	
شابک:	ISBN 978-964-209-199-7	
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا.	
یادداشت:	عنوان اصلی: <i>Pre-Industrial Societies: Anatomy of the Pre-Modern World</i>	
یادداشت:	کتاب‌نامه.	
یادداشت:	نمایه.	
موضوع:	تاریخ اقتصادی.	
موضوع:	تاریخ اجتماعی.	
شناسه‌ی افزوده:	جعفری جزئی، مسعود، ۱۳۴۵-، مترجم.	
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۳ ج ۲ / ۵۲۱ / H۷۲۱	
رده‌بندی دیویی:	۳۳۰ / ۹	
شماره‌ی کتابخانه‌ی ملی:	۳۷۲۸۴۳۲	

جامعه‌های ماقبل صنعتی

کالبدشکافی جهان پیشامدرن

پاتریشیا کرون

مترجم

مسعود جعفری جزی



نسترمای

تهران

۱۳۹۵

جامعه‌های ماقبل صنعتی

نویسنده
پاتریشیا کرون
مترجم
مسعود جعفری جزی

چاپ اول
تیراژ
زمستان ۱۳۹۵
۱۵۰۰ نسخه

مدیر هنری
حروف‌چینی
لیتوگرافی
چاپ جلد
چاپ متن و صحافی
حسین سجادی
نادیا وحدانی
آرمانسا
صنوبر
آرمانسا

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۹-۱۹۹-۷
همه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است.



تهران، خیابان انقلاب، رویه‌روی سینما سپیده، شماره‌ی ۱۱۷۶، واحد ۴

تلفن و دورنگار: ۶۶۹۵ ۱۸۸۰

www.nashremahi.com

فهرست

۷	 اشاره
۱۱	 پیشگفتار مؤلف برای ترجمه‌ی فارسی
۱۷	 مقدمه
۲۱	 ۱ جامعه‌ی پیچیده چگونه جامعه‌ای است؟

بخش نخست

الگوها و ساختارهای ماقبل صنعتی

۳۷	 ۲ نظام اجتماعی-اقتصادی
۷۳	 ۳ حکومت
۱۱۳	 ۴ سیاست
۱۵۱	 ۵ فرهنگ
۱۸۱	 ۶ جامعه و فرد
۲۲۱	 ۷ دین

بخش دوم

فاصله گرفتن از الگوی غالب

۲۵۷	 ۸ تازگی و تفاوت تجربه‌ی اروپا
۳۰۷	 ۹ مدرنیته
۳۴۳	 برای مطالعه‌ی بیش تر
۳۵۰	 نمایه

یا مرگ یا تجدد و اصلاح
راهی جز این دو پیش وطن نیست.
با یاد و خاطره‌ی همه‌ی کوشندگان راه تجدد و نوگرایی ایران.
مترجم

اشاره

ماجرای پیدایش، رشد و تکامل تمدن بشری داستانی هیجان‌انگیز و جذاب است که از هر زبان شنیده شود نامکرر است. کتاب حاضر روایتی از همین داستان را در دو بخش بازمی‌گوید: در بخش نخست، در طی چندین فصل، با دوره‌ای از تاریخ تمدن آشنا می‌شویم که از آغاز تاریخ تا حدود سه قرن پیش را در بر می‌گیرد. این دوره‌ی بسیار طولانی جهان قدیم یا سنتی یا، به تعبیر مؤلف کتاب، جهان ماقبل صنعتی را توصیف می‌کند. در بخش دوم کتاب با این واقعیت سروکار داریم که چگونه جهان سنتی وارد عصر جدید شد و تمدن صنعتی جای تمدن ماقبل صنعتی را گرفت.

مؤلف در نگارش هر دو بخش کتاب، برخلاف شیوه‌ی مرسوم در کتاب‌های تاریخ تمدن، به جای پرداختن به سیر زنجیره‌وار وقایع تاریخی، به اجزای سازنده‌ی جوامع قدیم از قبیل اقتصاد، دین، خانواده، حکومت و... پرداخته و هر یک را در فصلی جداگانه بررسی کرده است. روش مؤلف تلفیقی از تاریخ، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی است. خود او در مقدمه‌ی کتاب می‌گوید که به هیچ‌روی قصد نظریه‌پردازی نداشته و در پی توصیف پدیده‌ها بوده است. در این کتاب، به جای آن‌که نام اشخاص بزرگ یا شرح حوادث و رویدادها ذهنمان را به خود مشغول کند، با زندگی اجتماعی انسان در روزگار ماقبل صنعتی به خوبی آشنا می‌شویم و علاوه بر آن درمی‌یابیم که چه اوضاع و احوالی زمینه‌ساز شکل‌گیری جامعه‌ی جدید و جهان نو شده است. مواد و مطالبی که مؤلف به آن‌ها استناد کرده است به زمان و مکان خاصی اختصاص ندارد. همه‌ی دوره‌ها و تمدن‌ها مورد نظر

مؤلف بوده و از جمله، به‌مناسبت، به ایران و تمدن ایران هم اشاره کرده است. روش مؤلف آن بوده است که در سراسر کتاب از ارجاع به منابع خودداری کند. با این حال، در چند مورد که از منابع فارسی استفاده کرده است، سعی کرده‌ایم حتی‌الامکان اصل مطلب را از آن منابع نقل کنیم.

رویکرد علمی و دیدگاه محققانه‌ی مؤلف او را از سه آفت فضای فرهنگی امروز ما - یعنی نظریه‌زدگی افراطی، چپ‌گرایی مفرط و روشنفکر مآبی شعارگونه - مصون داشته است. در واقع این کتاب اثری روشنگرانه است و با اتکا به میراث فکری دوران روشنگری و تفکر نقادانه‌ی عصر جدید نوشته شده، اما مؤلف خود را در ایسم‌های روشنفکری یا نظریه‌های باب‌روز محدود و محصور نکرده است و به همین دلیل مستقیماً معطوف به سیاست نیست و به اصطلاح پروژه‌ای سیاسی را دنبال نمی‌کند، هرچند از سیاست نیز غافل نیست.

کتاب جامعه‌های ماقبل صنعتی از این جهت نیز برای ما راهگشا و آموزنده است که نگرشی تاریخی به ما می‌دهد تا بتوانیم به کمک آن مسائل دیروز و امروز انسان را بهتر درک کنیم. ضعف بینش تاریخی یا فقدان آن معضلی است که در میان عموم کتاب‌خوانان و دانشجویان ما نیز پیامدهایی نامطلوب برجای نهاده است. پیامدهای بی‌بهرگی یا کم‌بهرگی از بینش تاریخی در جای‌جای زندگی اجتماعی ما محسوس است: از تحلیل‌های سیاسی تا شبیه‌سازی‌های تاریخی و از درهم‌آمیختن مسائل امروزی با مسائل دنیای کهن تا سفسطه‌ها و مغالطه‌های بی‌پایه. آشفتگی فکری کم‌ترین ضرری است که از این درهم‌ریختگی نصیب جامعه می‌شود. غالباً بسیاری از ما در تحلیل‌ها و سخنانمان عملاً افکار، اندیشه‌ها، اوضاع خاص سیاسی و اجتماعی و بسیاری جنبه‌های زندگی امروزین را به گذشته‌های دور نیز تعمیم می‌دهیم و نتایج نادرستی می‌گیریم؛ مثلاً ممکن است چنین بیندیشیم که برده‌داری همیشه مذموم بوده است یا مفاهیم مرتبط با حقوق بشر در دنیای قدیم نیز جایگاه امروزشان را داشته‌اند یا حاکمان قدیم نیز همچون مدیران پشت میزنشین امروزی بوده‌اند و....

مترجم این کتاب نیز بارها و بارها با این معضل مواجه شده بود، اما چاره‌ی آن را، یا به تعبیر بهتر چاره‌ی فوری و آسان آن را، نمی‌دانست و از همین رو به راه‌حلی کلی، یعنی تاریخ‌خوانی و آگاهی از گذشته، بسنده می‌کرد، اما پس از آشنایی با این کتاب، گمشده‌اش را در مطالب آن یافت و به مصداق

خوش تر آن باشد که سر دلبران گفته آید در حدیث دیگران
آن را زبان حال خود دانست.

هدف مؤلف کتاب اصلاح همین پیش داوری ها و جایگزین کردن آن ها با بینش تاریخی سنجیده و واقع گرایانه ای است که به ما امکان می دهد تاریخ و حوادث گذشته را حتی الامکان به گونه ای ببینیم که واقعاً بوده است، نه آن گونه که نگرش امروزی ما اقتضا می کند. البته این کتاب برای مخاطبان ایرانی فایده ی دیگری نیز دارد، زیرا برخی ویژگی های جهان ماقبل صنعتی به شکل های گوناگون هنوز در جامعه ی ما تداوم و حضور دارد و شناخت دقیق آن ها به شناخت ما از وضعیت کنونی مان هم کمک می کند. پدیده هایی همچون تحقیر کار یدی، دخالت دادن مسائل اعتقادی و سیاسی در امور اقتصادی و کم توجهی به تخصص گرایی و... برخی از همین ویژگی ها به شمار می روند.

داستان ترجمه ی کتاب از این قرار است که مترجم با این که از چندین سال پیش با این کتاب آشنا بود، به دلایل گوناگون، خود را از وسوسه ی ترجمه ی آن دور نگه می داشت، تا این که فرصتی فراهم آمد تا از مهرماه سال ۱۳۹۲ تا تیرماه ۱۳۹۳ یک بار دیگر در دارالعلم پرینستون و در مؤسسه ی تحقیقات عالی این شهر دانشگاهی در محضر پرفیض نویسنده ی کتاب باشد. مؤلف کتاب، با این که با بیماری سختی دست به گریبان بود و مجبور بود هر هفته به پزشک و بیمارستان مراجعه کند، پرسش های ریز و درشت مترجم را با گشاده رویی پاسخ داد و منابع لازم را به او معرفی کرد. همین همراهی موجب شد ترجمه ی کتاب برای مترجم آسان شود. کتاب جامعه های ماقبل صنعتی به زبانی روشن و ساده نوشته شده است، اما ایجاز و فشردگی مطالب آن به گونه ای است که فهم و بازنویسی آن به زبان فارسی گه گاه با دشواری هایی روبه رو می شد. بدون همراهی و یاری بی دریغ مؤلف یقیناً ترجمه ی کتاب مستلزم صرف وقت و نیرویی بسیار بود و احتمالاً دچار کاستی هایی می شد. در پایان، ضمن قدردانی از همراهی ها و راهنمایی های مؤلف دانشمند کتاب، برای ایشان آرزوی بهروزی داریم و امیدواریم هرچه زودتر صحت و سلامت خود را بازیابند، و سپاس او را.

مترجم

پاییز ۱۳۹۳

بعدالتحریر: متأسفانه در فاصله‌ای که این کتاب مراحل حروف‌چینی و نشر را می‌گذراند، مؤلف آن که از دو سال پیش با بیماری سرطان دست‌به‌گریبان بود، در تیرماه امسال درگذشت. یاد او گرامی باد.

در آماده‌سازی متن نهایی کتاب، علاوه بر حسن سلیقه و دقت دست‌اندرکاران نشر ماهی، دقت نظر و دانش خانم زهرا صابری، دانشجوی دوره‌ی دکترای ادبیات فارسی، نیز به کمک مترجم آمد. از خانم صابری و دست‌اندرکاران نشر ماهی، به‌ویژه از ویراستار نکته‌سنج آقای مهدی نوری، سپاسگزارم.

مترجم

پاییز ۱۳۹۴

پیشگفتار مؤلف برای ترجمه‌ی فارسی

نخستین بار که به نوشته‌ای از نوع کتاب حاضر احساس نیاز کردم در مقطع کارشناسی مشغول تحصیل بودم. آن زمان دانشجوی دانشگاه کپنهاگ بودم و در رشته‌ی تاریخ اروپا تحصیل می‌کردم. در یکی از درس‌ها، که تا جایی که به یاد دارم مربوط به دوره‌ی رنسانس ایتالیا بود، ما دانشجویان موظف بودیم مطلبی درباره‌ی شهرها و ویژگی‌های خاصشان در آن عصر بنویسیم. به یاد می‌آورم که برای نوشتن آن تحقیق خود را با معضلی حل‌ناشدنی رویاروی می‌دیدیم، زیرا باید درباره‌ی ویژگی‌های متمایز پدیده‌ای می‌نوشتیم که هیچ‌کس درباره‌ی ویژگی‌های کلی و عام آن هم با ما سخن نگفته بود. هیچ‌کس درباره‌ی شهرها — در عصر نوزایی ایتالیا یا هر دوره‌ی دیگری — مطلبی به ما نیاموخته بود و هیچ منبعی سراغ نداشتیم که به آن رجوع کنیم. شخصاً به یاد ندارم که آن مشکل را چگونه حل کردم. شاید اصلاً آن تکلیف درسی را انجام ندادم.

سال‌ها بعد دریافتم که اثری سودمند وجود داشته که ما می‌توانستیم از آن استفاده کنیم: شهر ماقبل صنعتی، به قلم جامعه‌شناسی به نام گیدئون شوبرگ. آن‌گاه که با آن کتاب آشنا شدم، در لندن مشغول تحصیل در رشته‌ی تاریخ اسلام بودم و همزمان، با عطشی سیری‌ناپذیر، کتاب‌های مرتبط با انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی تاریخی و معاصر را مطالعه می‌کردم. در آن دوران، مطالعه‌ی این‌گونه آثار برایم بسیار خوشایند بود، زیرا جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان معمولاً به قواعد و هنجارها می‌اندیشند و همواره به چرایی مسائل توجه دارند، حال آن‌که اغلب

تاریخ‌نگاران و متخصصان تاریخ - در آن سال‌ها - ترجیح می‌دادند به تاریخ روایی و شرح و گزارش وقایع بپردازند که برای من جذابیتی نداشت. آنان حتی به مقایسه و تطبیق هم، که من شیفته‌ی آن بودم، روی خوش نشان نمی‌دادند.

دومین بار که ضرورت وجود چنین کتابی را احساس کردم زمانی بود که در آکسفورد تدریس درس‌های مقدماتی تاریخ اسلام را آغاز کردم. تعداد اندکی از دانشجویانم با تاریخ آشنایی داشتند. تقریباً زمینه‌ی مطالعاتی همه‌ی آن‌ها زبان‌شناختی بود. اغلبشان زبان عربی می‌آموختند و تعداد کم‌تری فارسی. وظیفه‌ی من آن بود که دانش پایه‌ی لازم درباره‌ی خاورمیانه و خاور نزدیک اسلامی را به آنان بیاموزم. احساس می‌کردم وظیفه‌ای دشوار بر عهده دارم. این دانشجویان تصویری از گذشته‌های دور نداشتند و بسیاری از ویژگی‌های جوامع کهن را، که در گوشه و کنار دنیا نمونه‌های متعددی از آن‌ها سراغ داریم، مختص جوامع اسلامی فرض می‌کردند. پس از مدتی تصمیم گرفتم، در درسگفتاری جداگانه، همه‌ی آن چیزهایی را که باید هنگام مطالعه و تحقیق در باب جوامع کهن از ذهن خود بزدایند برایشان توضیح دهم تا دچار خطای روش‌شناسی ناشی از زمان‌پریشی نشوند. در آن درسگفتار مهم‌ترین مسائلی را برایشان شرح دادم که به‌هنگام اندیشیدن به گذشته باید از ذهن خود دور کنیم. روشن است که یک جلسه‌ی درس و گفت‌وگو برای توضیح همه‌ی این مسائل کافی نبود. در همان سال‌ها، یک روز با یکی از همسایگانم در آکسفورد درباره‌ی همین مشکل سخن می‌گفتم. او که از حسن اتفاق از ویراستاران انتشارات بلکول بود، به من گفت: «چرا خود شما کتابی درباره‌ی این موضوع نمی‌نویسی؟» پیش از آن هیچ‌گاه به چنین امکانی نیندیشیده بودم. در پاسخ گفتم نویسنده‌ی چنین کتابی با دشواری‌های بسیاری روبه‌رو خواهد بود و من این توانایی و حوصله را در خودم نمی‌بینم که دست به چنین کاری بزنم. او باز هم مرا تشویق کرد و همچنین پیشنهاد داد این کتاب در یکی از مجموعه‌های انتشارات بلکول چاپ شود. سرانجام پیشنهاد او را پذیرفتم و کتاب را نوشتم.

نگارش این کتاب برایم بسیار لذت‌بخش و دلپذیر بود، هرچند پایان نگارش آن با تلخ‌ترین حادثه‌ی زندگی‌ام همزمان شد.^۱ پژوهش برای نگارش این کتاب

۱. منظور مؤلف درگذشت همراه زندگی‌اش، مارتین هیندز، است. وی در اول دسامبر ۱۹۸۸ درگذشت. م.

از آن رو جذاب بود که خودم ناگزیر بودم در باب جوامع و فرهنگ‌های مختلف مطالب تازه‌ای بیاموزم که پیش از آن درباره‌شان بسیار اندک می‌دانستم یا هیچ نمی‌دانستم. تقریباً هر کتابی که در این حوزه می‌دیدم نکته‌ی مناسبی برای تحقیق داشت. مهم‌ترین جاذبه‌ی نگارش این کتاب آن بود که از اول بنا را بر آن گذاشتم که هیچ پاورقی و ارجاعی در کار نباشد. همین ویژگی به‌تنهایی گشایشی عظیم و مایه‌ی آسودگی خاطر بود. شاید بیش از نیمی از کار شاق محققان دانشگاهی ناشی از همین پاورقی‌ها و ارجاع‌های دور و دراز باشد: نام مؤلف، عنوان کتاب، محل نشر، و البته این روزها حتی اسم ناشر که این یکی کاملاً غیرضروری است و هیچ‌کس بجز خود ناشر از آن سود نمی‌برد. علاوه بر این‌ها، سال نشر، شماره‌ی جلد و صفحه و گاه اشاره به شماره‌ی فصل‌ها و بخش‌های کتاب هم لازم است. تازه بعد از ذکر همه‌ی این موارد، نویسنده باید همه را از نو بازبینی کند تا مطمئن شود همه‌چیز درست است! اگر نویسنده — مثل من — بخواهد خودش متن را حروفچینی کند و نوشته‌اش پر از غلط‌های تایپی هم باشد، کار بسیار دشوارتر خواهد شد. جامعه‌های ماقبل صنعتی نخستین کتاب من است که خودم آن را با کامپیوتر حروف‌نگاری کردم. کامپیوتری که آن زمان در اختیارم بود آمستردام نام داشت و آلن شوگر ابداعش کرده بود. او احتمالاً بیش‌ترین نقش را در رواج دادن کامپیوتر در میان دانشگاهیان یا دست‌کم متخصصان علوم انسانی در انگلستان ایفا کرد. من و همکارانم با رغبت این کامپیوتر را خریدیم، زیرا هم ارزان بود و هم به‌سهولت می‌توانستیم با آن کار کنیم. افزون بر این، برای ابداع نشانه‌های خاص و متفاوت بسیار مناسب بود و حتی از کامپیوترهای امروزی و از جمله آپل هم بهتر به نظر می‌آمد.

قصد من در آغاز آن بود که این کتاب ساده و آسان باشد و مثلاً حجمش از حدود یکصد صفحه بیش‌تر نشود. در عمل نتوانستم آن را تا این حد فشرده و مختصر کنم، زیرا این خطر وجود داشت که مطالب بیش از حد مجمل و خام بماند. پس کمی انعطاف نشان دادم و به حجمی دو برابر برآورد اولیه رضایت دادم.

بلکول، ناشر اولیه‌ی کتاب، برای بازاریابی چاپ نخست هیچ اقدامی نکرد. خود من هیچ‌وقت نسخه‌ای از آن را در کتاب‌فروشی‌ها ندیدم. حتی فروشگاه خود بلکول در آکسفورد، که مرکز فروش کتاب‌های دانشگاهی است، این کتاب را

نداشت. فقط دو نقد و معرفی در باب آن در مطبوعات منتشر شد. یکی از آن نقدها را یک اقتصاددان نوشت و عجب آن‌که با نگاه مثبت به کتاب نگریست. این نقد از آن رو برای تعجب برانگیز بود که هیچ‌وقت فکر نکرده بودم مطالب این کتاب می‌تواند برای اقتصاددانان هم جذاب باشد. نقد دیگر را یکی از صاحب‌نظران حوزه‌ی تاریخ نوشت. خودم فکر می‌کنم اگر بازاریابی بهتری شده بود، چاپ اول فروش بهتری داشت. این کتاب به‌ویژه خارج از اروپای غربی و امریکا می‌توانست خوانندگان بیش‌تری داشته باشد، زیرا نمونه‌ها و شواهدی که اساس بحث ما در این کتاب بوده‌اند، بی‌هیچ جانبداری یا ترجیحی، از مناطق گوناگون جهان ماقبل صنعتی برگرفته شده‌اند. معمولاً این نمونه‌ها و شواهد به‌ندرت در کنار هم مبنای تجزیه و تحلیلی منسجم را شکل داده‌اند. بی‌آن‌که چنین بیندیشم که بخشی از جهان کهن در این تحلیل جایی ویژه دارد یا مهم‌تر است، برای فراهم‌آوردن نمونه‌ها و شواهد مناسب به مناطق و دوره‌های مختلف توجه کرده‌ام: کشورهای کره، ویتنام، اندونزی، برمه، تایلند، ژاپن، چین، هند، جهان اسلام، اروپا، یونان و روم و امریکای پیش از کلمب. به این پرسش نیز توجه داشته‌ام که چرا مدرنیته در اروپا پدیدار شد. چنان‌که در متن کتاب خواهیم دید، اروپای غربی بیش از آن‌که نمونه‌ی برجسته‌ی تمدن‌های عصر ماقبل صنعتی باشد و همین برتری راهش را به مدرنیته گشوده باشد، به آن دلیل به محل بروز و ظهور مدرنیته تبدیل شد که با تمدن‌های عصر قدیم تفاوت داشت و در واقع برخلاف قاعده و روال مرسوم سیر کرد. به نظر می‌آید بسیاری از منتقدان و خوانندگان کتاب به این نکته، چنان‌که باید، توجه نکرده‌اند. هر کتابی که به جامعه‌های ماقبل صنعتی و گذار آن‌ها به عصر صنعت بپردازد، باید به برآمدن مدرنیته و زمینه‌های آن نیز توجه کند. پرداختن به این تحول به معنای اروپامحوری نیست. مؤلف کتاب حاضر نخواسته است برای اروپا هورا بکشد یا به این تحول رنگ و بویی قهرمانانه بدهد، اما ناچار بوده است زمینه‌های آن را در حد توان بکاود.

به‌هر حال، با همه‌ی مشکلاتی که در زمینه‌ی توزیع و بازاریابی وجود داشت، کتاب به تدریج جای خود را باز کرد و نه فقط در میان کسانی که در حوزه‌ی اسلام مطالعه می‌کردند، بلکه در حوزه‌های دیگر هم علاقه‌مندانی یافت و هم در انگلیس و هم در امریکا گاه به‌منزله‌ی منبعی برای آشنایی با تاریخ جهان به کار رفت. با

این‌که این کتاب اصلاً به افریقا نمی‌پردازد، حتی برخی متخصصان تاریخ افریقا آن را مفید یافتند. ترجمه‌ی آلمانی و سوئدی کتاب نیز چند سال بعد منتشر شد.

تا جایی که می‌دانم، این کتاب تاکنون در ایران و خاورمیانه برای تدریس تاریخ جهان قدیم یا شناخت جامعه‌های کهن محل مراجعه نبوده است. نمونه‌ها و شواهدی از تاریخ ایران – چه قبل و چه بعد از اسلام – در کتاب آمده است و احتمالاً بسیاری از دانشجویان تاریخ در ایران نیز در مواجهه با جهان کهن همان احساسی را دارند که من به هنگام تحصیل در رشته‌ی تاریخ در دانشگاه کپنهاگ داشتم. امیدوارم این کتاب برای این دسته از دانشجویان و دیگر علاقه‌مندان تاریخ و جامعه‌شناسی سودمند باشد و دست‌کم از سرگردانی و آشفتگی‌شان بکاهد.

از آن‌جا که حوزه‌ی اصلی فعالیت علمی من تاریخ اسلام و ایران است، از این‌که این کتاب در ایران و خاورمیانه خوانده شود حس خوبی دارم. چند سال پیش ناشری برای ترجمه‌ی عربی کتاب با من تماس گرفت، ولی ظاهراً آن ترجمه صورت نگرفت یا منتشر نشد. تقدیر چنین بود که ترجمه‌ی فارسی کتاب پیش از ترجمه‌ی عربی آن منتشر شود. مترجم کتاب حاضر، که پیش از این برخی از دیگر نوشته‌های مرا نیز به فارسی ترجمه کرده است، شَمّ دقیقی دارد که برای هر مترجم خوبی ضروری است. او می‌تواند به‌درستی بفهمد که نویسنده در زبان انگلیسی چه می‌خواسته بگوید و آن مطلب را چگونه می‌توان به زبان فارسی بیان کرد. بنابراین، بخت هم‌یار من و هم‌یار خوانندگان ترجمه‌ی فارسی بوده است. از این گذشته، ترجمه‌ی فارسی کتاب عملاً زمینه‌ی ویراست تازهای از متن انگلیسی کتاب را نیز فراهم آورد. مترجم فارسی کتاب، علاوه بر اصلاح غلط‌های چاپی متعدد متن انگلیسی، مرا به روزآمدکردن برخی ارقام و اعداد ترغیب کرد و سرانجام، پس از مشورت با ناشر متن انگلیسی کتاب، تصمیم گرفتم ویراست تازه‌ای از کتاب فراهم آورم.

پاتریشیا کرون

پرینستون، تابستان ۲۰۱۴

مقدمه

در این کتاب در پی آنیم که تصویری روشن از جامعه‌های ماقبل صنعتی ترسیم کنیم تا خواننده با سازوکارهای حاکم بر این جوامع آشنا شود و دریابد چه ویژگی‌ها و محدودیت‌هایی موجب شده این جوامع تا به این حد همگون و شبیه به هم باشند. در این کتاب هیچ‌یک از نهادهای متعلق به این‌گونه جوامع را جداگانه بررسی نکرده‌ایم، چه رسد به این‌که بخواهیم همه‌ی آن‌ها را بررسی و تحلیل کنیم. اصولاً در پی تاریخ‌نگاری هم نبوده‌ایم. تاریخ تا آن‌جا برایمان مهم بوده است که شواهد و مثال‌های مدّ نظرمان را فراهم آورد. سعی ما بر آن بوده است که به خوانندگان بگوییم در مواجهه با این جامعه‌ها و گذشته‌های دور، به جای آن‌که در جست‌وجوی ساختارها و الگوهایی باشند که معمولاً در حوزه‌ی مطالعاتی خودشان با آن‌ها سروکار دارند، باید انتظار رویارویی با چه ساختارها و الگوهایی را داشته باشند. لازم است همواره این نکته را به یاد داشته باشیم که جامعه‌های ماقبل صنعتی را نباید در پرتو پیش‌فرض‌های امروزی و برآمده از فرهنگ عصر جدید نگریست. ضروری است پژوهشگران امروزی بدانند که در مواجهه با این جامعه‌ها کدام‌یک از پیش‌فرض‌هایشان را باید به کناری نهند. در این کتاب به برخی جنبه‌های بنیادین تمدن صنعتی نیز اشاره خواهیم کرد تا پیامدهای ضمنی فقدان آن‌ها را در عصر قدیم به خواننده نشان دهیم. این جنبه‌های اساسی بسیار ساده و قابل فهمند، اما پیامدهایشان — بنا بر تجربه‌ی نویسنده — بسیار پیچیده‌تر از آن است که با نگاهی صرفاً دانشجویانه بتوان آن‌ها را به درستی درک کرد.

در هر تعمیمی نوعی ساده‌سازی نهفته است و کتابی که درصدد است در باب اقوام و جوامع گوناگون - از سومریان تا مانچوها، آخرین سلسله‌ی امپراتوران چین - سخن بگوید، به‌ناچار باید دست به ساده‌سازی بزند. مؤلف از این بابت متأسف نیست. ساده‌سازی دقیقاً همان چیزی است که مبتدیان به آن نیاز دارند. اگر ما هیچ تصویری از «جنگل» نداشته باشیم، برایمان مفید خواهد بود که به ما بگویند جنگل منطقه‌ای پر از درخت است و به همین دلیل سبز به نظر می‌آید و آب و هوایی خنک و مرطوب دارد و شاخ و برگ‌های انبوه درختان زمین آن را به طور کامل پوشانیده است و...، هرچند واضح است چنین تعریفی برای کسی که در منطقه‌ای جنگلی زندگی می‌کند هیچ فایده‌ای ندارد. غالباً چنین فرض می‌شود که دانشجویان رشته‌ی تاریخ به‌خوبی می‌دانند «جنگل» چیست و می‌توانند مستقیماً به تحقیق و پژوهش درباره‌ی فلان یا بهمان جنگل خاص بپردازند؛ حال آن‌که اغلب آنان قادر به این کار نیستند. دانش‌پژوهانی که به تحقیق و مطالعه در باب جوامعی می‌پردازند که هم ماقبل صنعتی‌اند و هم غیروپایی بیش‌تر در معرض لغزشند، زیرا معمولاً نمی‌توانند ویژگی‌های عام جوامع ماقبل صنعتی را از ویژگی‌های خاص جوامعی تشخیص دهند که درباره‌شان مطالعه و تحقیق می‌کنند. در واقع، درک آنان از آنچه عادی و مرسوم است و آنچه غیرعادی و نامرسوم است (و در نتیجه به بحث و بررسی بیش‌تری نیاز دارد) نارساست. در این کتاب خواهیم کوشید با ترسیم تصویری از آنچه شاید بتوان آن را وضعیت عام ماقبل صنعتی نامید، این نارسایی را تا حدودی از میان برداریم. البته در همین جا باید با فروتنی و واقع‌بینی بگوییم که هیچ ادعای روشنفکرانه‌ای نداریم. این کتاب نه تحقیقی جامع و کامل است و نه نمونه‌ای عالی و شاخص؛ صرفاً نوعی کتاب راهنمای ساده و عملی است، بی‌آن‌که در پی نظریه‌پردازی باشد.

نویسنده بر خود لازم می‌داند صمیمانه از این افراد تشکر کند که دستنویس‌های کتاب را مطالعه کردند و پیشنهادهای سودمندی ارائه دادند: مارک الوین، ارنست گلنر، جان هال، مارتین هیندز، باب مور و فریتز زیمرمان. از باب مور باید جداگانه سپاسگزاری کرد که همکاری‌اش بسیار فراتر از آن چیزی بوده است که معمولاً بر عهده‌ی سرویستاران است. برخی از پیشنهادها و درباره‌ی این کتاب به طور کامل عملی شده است. البته اگر نتیجه‌ی کار خوب نیست، نباید او را مقصر دانست.

در ویراست دوم، علاوه بر تصحیح غلط‌های چاپی، تغییراتی جزئی نیز در برخی عبارت‌ها صورت پذیرفت و مطالب مربوط به تکامل انسان، دوران ماقبل تاریخ و دوران معاصر بازنویسی شد.

در ویراست سوم، باز هم برخی غلط‌های چاپی تصحیح شد و برخی تغییرات جزئی صورت گرفت و برخی آمارها و اطلاعات حتی الامکان روزآمد شد، اما هیچ‌یک از بخش‌های کتاب به طور اساسی تغییر نکرد.

پاتریشیا کرون